

Research Article

Divine Law; the Rationale of Social Life From the View of Political Words of Āyatullāh Khāminiyī¹

Mohsen Mohajernia¹

1. Assistant Professor, Institute of Islamic Culture and Thought; Member of the Association for Political Studies, Qom, Iran. mohajernia99@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to explore the role of divine law in the political life of humans based on the political words of Āyatullāh Khāminiyī. The method of study is descriptive analysis and the results showed that the divine law in Takwīnī (evolutionary), Tashrīī (legislative), and conventional domains is the basis for the formation and sustenance of social system and political order while Takwīnī (evolutionary) and Fitrī (natural) laws are under the control of Godly will and divinity and can be perceived by ration and revelation. Conventional laws are also obtainable in the light of religion. The divine law from political perspective and with respect to human's true interests and corruptions, is written in a hierarchy from the source of creation and humans' creator to social realities and political relations. The salient feature of laws is in the "philosophy of law" that has the tendency to order, justice, paying attention to social interests and corruptions, and directing spiritual values in line with the purpose of human creation, and arrangement of human transactions and relations as well as providing their rights, freedom, and prosperity in the light of divine governance.

Keywords: Divine Law, Āyatullāh Khāminiyī, Social Life, Political Words.

1. **Received:** 2020/12/06; **Accepted:** 2021/02/03

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



قانون الهی؛ منطق زندگی اجتماعی از منظر کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای^۱

محسن مهاجرنیا^۱

۱. استادیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.

mohajernia99@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش قانون الهی در حیات سیاسی انسان‌ها در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که قانون الهی در سه ساحت تکوینی، تشریعی و قراردادی مبنای شکل‌گیری و تداوم نظام اجتماعی و نظم سیاسی است. در حالی که قوانین تکوینی و فطری تحت اراده و ربوبیت الهی بوده و از طریق عقل و وحی قابل فهم و استنباط است. قوانین قراردادی هم در سایه شریعت قابل حصول می‌باشد. قانون الهی از منظر کلام سیاسی با رعایت مصالح و مفاسد واقعی بشر، در یک قوس نزولی از مبدأ آفرینش و خالق انسان‌ها، معطوف به واقعیت‌های اجتماعی و مناسبات سیاسی، جعل و انشاء می‌شود. ویژگی برجسته چنین قوانینی در «فلسفه قانون» است که معطوف به نظم‌بخشی، عدل‌گستری، توجه به مصالح و مفاسد اجتماعی و جهت‌دهی به ارزش‌های معنوی می‌باشد که در راستای اهداف آفرینش انسان و تنظیم تعاملات و پیوندهای انسانی، تأمین حقوق، آزادی‌ها و سعادت انسان در سایه حاکمیت الهی است.

واژه‌های کلیدی: قانون الهی، آیت‌الله خامنه‌ای، زندگی اجتماعی، کلام سیاسی.

۱. مقدمه

براساس عام‌ترین تعریف، کلام سیاسی دانشی است که پیرامون تعلیمات سیاسی ناشی از وحی الهی، درباره زندگی سیاسی - اجتماعی انسان‌ها بحث می‌کند. نظر به اینکه هر مکتب و مرام سیاسی، مهم‌ترین مدعیات خویش برای اداره حیات سیاسی انسان‌ها را در قالب یک مجموعه آرمان‌ها، برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی به نام «قانون» ارائه می‌دهد، مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر آن است که اسلام و منابع اسلامی در قرائت آیت‌الله خامنه‌ای، پیرامون شکل‌گیری و تداوم نظام اجتماعی و نظم سیاسی، چه قانونی را ارائه داده است؟ کنکاش در ارائه پاسخی منطقی و واقعی، نگارنده را به آزمون مفروضات تاریخی سه‌گانه‌ای کشاند تا روشن کند که قانون زندگی سیاسی در اسلام، صرفاً به صورت تکوینی در نظام طبیعت و آفرینش قرار داده نشده است تا برای کشف و فهم آن به یک «فلسفه سیاسی» نظیر سنت یونانی متوسل شود و از سوی دیگر تنها از مجرای تشریع شریعت نیست تا چونان قرون وسطائیان عقل‌گرایان به منقولات متکی باشد. همچنین بر این باور نیست که قانون صرفاً محصول وضع و قرارداد پسینی در هر جامعه است تا همچون مغرب زمین معاصر به نفی قانون طبیعی تکوینی و تشریعی مبادرت ورزد و همه منطق زندگی را از اصحاب قرارداد اجتماعی دریافت کند. در تلاش برای پاسخ به این سؤال در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به گونه‌شناسی‌ای از قانون الهی رسیدیم که قوانین الهی در عرصه تکوین به مثابه «سنت الهی» و در عرصه تشریع به مثابه «دین الهی» و در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها به مثابه «منطق زندگی اجتماعی»، مهم‌ترین گرانگه فهم رابطه خداوند با نظام آفرینش و زندگی اجتماعی انسان‌ها هستند. بنابراین، فرضیه تحقیق حاضر در پاسخ پرسش فوق این است که براساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در اسلام قوانین مربوط به حیات اجتماعی بشر از طریق وحی تشریع شده‌اند و این قوانین براساس فطرت انسانی و همسو با قوانین تکوینی موجود در نظام طبیعت و آفرینش می‌باشد. طبیعی است فهم، ساده‌سازی و بومی‌سازی این قوانین در هر جامعه‌ای، وابسته به تفاهات و قرارداد اجتماعی میان شهروندان آن جامعه است.

بر پایه این فرضیه ویژگی برجسته دیدگاه ایشان آن است که قوانین اجتماعی در اسلام دارای سه خصلت جامعیت، فراگیری و انعطاف‌پذیری می‌باشد، زیرا ربوبیت الهی به همه ابعاد مادی و معنوی انسان‌ها اشراف دارد و چون براساس فطرت الهی و انسانی طراحی شده است، شمولیت و فراگیری کامل دارد و چون برای سعادت و هدایت همه انسان‌ها و همه جوامع انسانی است، متناسب با شرایط و مصلحت آنها انعطاف دارد. پژوهش حاضر تلاش دارد با روش استظهار از متون و عبارات آیت‌الله خامنه‌ای و تحلیل

محتوای آنها، به کشف دلالت‌ها و مراد ایشان، مبادرت ورزد.

۲. مفاهیم پژوهش

۱-۲. کلام سیاسی

اصطلاح «کلام» عنوانی است برای اشاره به یکی از عرصه‌های معرفتی و تفکر سیاسی که به سنت اسلامی تعلق دارد. وجه نام‌گذاری این دانش به «کلام»، از گفتگوها، محاوره عقیدتی و مکالمه‌های عالمان و اصحاب مذاهب اسلامی أخذ شده است (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۱۳). علم کلام درباره خداوند، اصول دین، عقاید و شالوده ایمان دینی بحث کرده و کلام سیاسی که گرایشی از کلام عمومی است در مورد فعل، جعل و تدبیر الهی در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها و مجموعه باورهای پیرامون آن، بحث می‌کند. در ساده‌ترین تعریف، علم کلام و کلام سیاسی، حاصل نقش و آثار ربوبیت، خالقیت، توحید، اسماء و صفات الهی، عدل و جبر و اختیار، نبوت عامه و خاصه، اعجاز، عصمت، امامت و خلافت، معاد، رجعت، شفاعت و تقیه در حیات جمعی و زندگی سیاسی است (سبحانی، ۱۴۱۱ق: ص ۶۸). بنابراین، کلام سیاسی به بیان آراء و اندیشه‌های اعتقادی و الهی مسلمانان در باب سیاست و زندگی اجتماعی می‌پردازد و آموزه‌ها و باورهای سیاسی برگرفته از کتاب و سنت را تبیین می‌کند. همان‌طور که الهیات سیاسی مسیحیت به تعبیر لئواشترائوس^۱ «تعلیمات سیاسی ناشی از وحی الهی است» (اشترائوس، ۱۳۷۳: ص ۳-۶)، برخی از محققان در یک تعریف عام، کلام سیاسی اسلامی را دانشی می‌دانند که به توضیح و تبیین آموزه‌های وحیانی و دیدگاه‌های دین در باب مسائل و امور سیاسی می‌پردازد و جهت‌گیری‌های اعتقادی و ایدئولوژیک مبتنی بر آن را در حیات اجتماعی تبیین و از آنها دفاع می‌نماید (بهرزولک، ۱۳۸۲: ص ۷۹). در تعبیر دیگری کلام سیاسی، مجموعه آموزه‌های سیاسی معرفی شده است که از وحی الهی سرچشمه می‌گیرند. به عبارت دیگر، اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی، که با روش انتزاعی و عقلی پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسخ داده شوند، کلام سیاسی تحقق می‌یابد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۵۰۴). در مجموع می‌توان گفت، کلام سیاسی دانشی است که از نقش ربوبی خداوند و وحی و آموزه‌های وحیانی و باورهای ایمانی در هدایت، تربیت، تدبیر و رهبری انسان‌ها در

1. Leo Strauss

مناسبات اجتماعی، بحث می‌کند و با همین ملاحظه است که در مقایسه با موضوع علم سیاست که «قدرت سیاسی» به معنای عام می‌باشد، موضوع کلام سیاسی «قدرت سیاسی مقید به نقش الهی» است.

۲-۲. قانون

دانشواژه قانون، در منظومه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، از منظرهای مختلف، تعریف شده است (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ص ۶۵). گاهی آن را به معنای سرنوشت یک کشور یا سرنوشت انسان‌ها در یک جامعه (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۹/۲۶) و گاهی به پذیرش نوعی محدودیت در زندگی اجتماعی تعریف کرده‌اند. در برخی از تعاریف، آن را «منطق زندگی اجتماعی» (همان، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲) یا «نرم‌افزار اداره کشور» (همان، ۱۳۸۴/۰۳/۸) دانسته‌اند. در تعبیری دیگر ایشان، قانون را «معیار» آسایش و آرامش کشور و عامل حفظ وحدت ملی (همان، ۱۳۹۲/۰۲/۲۵) معرفی می‌کنند. در همه قضایای فردی و اجتماعی قانون را «ملاک» می‌دانند (همان، ۱۳۸۸/۰۴/۷) که در جایگاه قاعده و «اساس زندگی» قرار دارد (همان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶). بنابراین، قانون در همه امور اجتماعی «شاخص» زندگی تلقی می‌شود (همان، ۱۳۹۲/۰۶/۶). آیت‌الله خامنه‌ای گاهی تعریف قانون را از طریق تنظیم‌سازی، به «جاده» و «ریل قطار» تشبیه کرده و از همین منظر گاهی آن را به عنوان عامل «هدایت‌کننده» تعریف می‌کنند (همان، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴). معادل‌سازی قانون با حاکمیت، تعریف بسیار دقیقی از قانون است که در ادبیات ایشان مطرح شده است. در ادبیات سیاسی ایشان گاهی قانون در مقابل ضد خود که هرج و مرج می‌باشد، در قالب «ضرورت» نیاز به آن تعریف شده است، زیرا جامعه بی‌قانون موجب انحطاط انسان است و انسان اصلاً نمی‌تواند زندگی کند و موجب نابودی و زوال انسان خواهد شد (همان، ۱۳۶۳/۰۸/۱۸).

به نظر می‌رسد، وجه جمع میان همه تعاریف آن است که قانون، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به شرح ذیل تعریف می‌شود: «قانون عبارت است از بهترین شاخص، مقوم، معیار، ملاک، منطق و نرم‌افزاری که قالب و شالوده زندگی اجتماعی را تنظیم و سامان می‌بخشد و سرنوشت بشر را به سمت اهداف خود هدایت می‌کند». تبارشناسی دانشواژه قانون به مثابه یک مفهوم انضمامی، نشان می‌دهد که دو شأن مفهومی دارد، یکی شأن عینی در میان کنشگران اجتماعی که آنها در عمل برای سامان دادن به زندگی جمعی و روابط فیما بین، یک‌سری قلمروها و محدودیت‌هایی را پذیرفته‌اند و بدون آنکه گرفتار عنوان قانون باشند، با این سازوکار زندگی می‌کنند. شأن دیگر قانون، در فضای معرفتی است که عالمان علوم اصطلاحی اسم آن محدودیت‌ها و پابندی‌های کنشگران را قانون گذاشته‌اند. هرچه فاصله میان آن دو شأن زیادتر شده است،

مفهوم اصطلاحی سیر انتزاعی به خود گرفته و تعریف آن مشکل تر شده است، تا آنجا که گاهی جز از طریق تصور مفهوم مقابل و متضاد آن، قابل شناخت نیست و طبق قاعده «تعرف الاشیاء باضدادها» در این گونه موارد، دستگاه فهم و ادراک بشر در صورتی می تواند اشیاء را درک کند که نقطه مقابل هم داشته باشند. مثلاً نور و ظلمت را بشر به مقایسه یکدیگر می شناسد. اگر همیشه جهان و هر نقطه ای از جهان نورانی بود، هیچ گاه تاریک نمی شد، انسان خود نور را هم نمی توانست تصوّر کند (مطهری، ۱۳۹۴: ص ۱۲۲). مفهوم قانون هم گاهی در مقابل «هرج و مرج» و «بی نظمی» و بی قانونی باید شناخته شود. همان طور که در اندیشه آیت الله خامنه ای آمده است: «آن چیزی که می تواند خطّ شاخص باشد و از هرج و مرج ناشی از اختلاف نظر مانع شود، قانون است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۴).

۳. ماهیت کلامی قانون

در تعریف کلام سیاسی بیان شد که در این دانش علاوه بر تمرکز بر عقاید ایمانی (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۹) مرتبط با زندگی سیاسی، به منشاء صدور آنها و پیوند آنها با اراده و اسماء فعلیه خداوند هم تمایل دارد. به همین دلیل شناخت چستی کلام سیاسی، پیوند وثیقی با دو مورد فوق دارد که یکی از طریق سیر نزولی و دیگری از راه سیر صعودی قابل کشف و فهم است. براساس اکتشاف تنزیلی، متکلم فارغ از نظر به واقعیات اجتماعی، به سراغ متون دینی و قرآن و روایات می رود تا بفهمد خداوند برای زندگی اجتماعی انسان ها، چه حقایق و دستورالعمل هایی را جعل کرده است. آیا خداوند پدیده ای به نام قانون را جعل و تجویز کرده است؟ سنخ این اکتشاف از بالا به پایین، براساس بعثت انبیاء می باشد که خداوند رسولانی را به همراه کتاب قانون و شرع برای هدایت بشر ارسال کرده است. انبیاء از طریق تعلیم و تربیت، بشر را با قوانین الهی که برای هدایت و سعادت زندگی اجتماعی بشر آمده بود، آشنا می کردند. با این رویکرد قانون جامعه اسلامی همان دین و شریعت الهی است و به تعبیر آیت الله خامنه ای، «دین خدا یعنی قالب زندگی مردم» که براساس «مصلحت انسان ها» نازل شده است (همان، ۱۳۶۸: ص ۷۸-۸۸). در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» که از آثار تفسیری و کلامی آیت الله خامنه ای است، نقش خداوند را در جعل انواع قوانین تکوینی و تشریعی در عرصه جهان بینی، ایدئولوژی، عبادت الهی و نفی عبودیت غیر خدا، نفی طبقات اجتماعی و آثار روانی توحید بر جامعه انسانی بیان کرده است (همان، ۱۳۵۴: ص ۳۳-۵۷). در همین کتاب توحید را شناختی متعهد، بینشی فعال و سازنده می داند. طرز فکری

است که در بنای جامعه و اداره، ترسیم خط سیر (استراتژی) و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین کننده است. توحید که قانون یکتاشناسی و یکتاپرستی است به این معنا دارای مراتبی بوده و توحید کامل یعنی یکتا دانستن خداوند در تمام مراتب ذاتی، صفاتی و افعالی آن. بنابراین، همه دین عبارت از قانون الهی برای زندگی موحدانه بوده و کلام سیاسی دانشی است که از طریق مطالعه دین به کشف اراده و ربوبیت الهی و استنباط و استخراج قواعد و قوانین زندگی اجتماعی- سیاسی بشر، می پردازد. تفسیر آیت الله خامنه ای از توحید این است که خدای متعال مدبّر خلق و تکوین عالم و آدم و نیز مدبّر تشریع عالم و آدم می باشد. یعنی قوانین زندگی انسان ها را فقط خدای متعال وضع می کند و از قوانین الهی باید پیروی کرد (همان).

در مطالعات صعودی، برخلاف سیر نزولی که مطالعه از خداوند به سوی مخلوقاتش از بالا به پایین بود. جهت گیری در این شیوه، از مطالعه پدیده ها و واقعیت های سیاسی اجتماعی موجود به سمت خداوند بالا می رود تا در یک سیر صعودی، پیوند اعتقادی میان واقعیت موجود را با الوهیت و ربوبیت، دریابد. متکلم می خواهد بداند، قانونی که در جامعه با عنوان قانون زندگی خانوادگی، قانون امامت، قانون ولایت فقیه، قانون انتخابات و انواع قوانین سیاسی در مناسبات قدرت در نظام اسلامی، چه نسبتی با خداوند و دین پیدا می کنند؟ آیا یک شهروند مسلمان علاوه بر التزام عملی، باید التزام اعتقادی هم به اینها پیدا بکند؟ کلام سیاسی براساس این سنخ از مطالعه، دانشی است که مسئول دینی سازی و مشروعیت بخشی به عرصه حیات سیاسی می باشد. در روش نخست، متکلم با فهم اراده و فعل الهی ابتدا خوانش همگانی و فهم درستی از «اعتقادات و باورهای ایمانی» را به مثابه «قانون الهی» ایجاد می کند تا در جامعه بستر عملیاتی «الزامات فقهی و پایبندی های شرعی» را براساس آن فراهم کند. اما در روش دوم قضیه برعکس است، زیرا مشروعیت دینی پدیده اجتماعی در پیوند با شارع ابتدا باید ثابت شود تا در بستر باور و اعتقاد ایمانی قرار بگیرد. براساس این روش، جایگاه و نسبت پدیده های نوظهوری چون آزادی، استقلال، قدرت، توسعه، دموکراسی، حزب، آراء و افکار عمومی، دولت- ملت، مرز، به صورت استنتاجی از قرآن و وحی باید استنباط و استخراج شود تا قوانین زندگی سیاسی مؤمنانه تدوین گردد.

این قوانین مستنبط در مقام عمل و تحقق نیازمند یک دستگاه و منبع مشروعیت بخش به نام امامت، ولایت و حاکمیت دینی هستند. تا مشروعیت عمل را به مشروعیت اعتقاد ارتقاء بدهند. «آن کسی که حق دارد که قانون اساسی را برای جامعه قرار بدهد، او ولی فقیه بوده و همان امام اسلامی و دستگاهی است که

حاکمیت الهی را از طریق وراثت پیغمبر و وراثت ائمه معصومین (ع) در اختیار دارد ... در حقیقت ولایت و حاکمیت ولی فقیه، ولایت و حاکمیت فقه اسلامی است، ولایت و حاکمیت دین خداست، ولایت و حاکمیت ملاک‌ها و ارزش‌هاست و نه ولایت و حاکمیت یک شخص» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰: ص ۱۹-۲۰).

تمرکز پژوهش حاضر عمدتاً بر طریقه نخست بوده و اگر موضوعات نوپدیدی که مجعول اولیه وحی و رسالت نیستند، مورد توجه قرار می‌گیرد، با این پیش فرض است که آن امور، مشروعیت دینی خود را از ناحیه شارع به دست می‌آورند. در نتیجه، قانون در جامعه اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای، خواه بالاصاله (حسب طریق نخست) و خواه به واسطه (حسب روش دوم) ماهیت کلامی و اعتقادی دارد و ایشان در کالبدشکافی ماهیت حاکمیت می‌فرماید: «حاکمیت خدا به این است که «قوانین الهی» در جامعه جاری بشود، آن چیزی که قانون الهی است، آن در جامعه اجرا بشود». برای تبیین بیشتر ماهیت کلامی قانون جامعه اسلامی، در ادامه «منشاء جعل قانون الهی جامعه» بررسی می‌شود.

۴. منشاء جعل و اعتبار قوانین جامعه اسلامی

توجه به منشاء جعل قانون برای اداره حیات سیاسی- اجتماعی، مهم‌ترین دغدغه تاریخی فیلسوفان، متکلمان و حقوق‌دانان بوده است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد این موضوع در سه پارادایم طبیعت‌گرایی، فطرت‌گرایی و قراردادگرایی، در مرکز اهتمام به مقوله قانون و قانون‌گذاری قرار داشته است، در حالی که طبیعت‌گرایان یونانی علاوه بر قوانین تکوینی و طبیعی، برای قوانین تشریعی و حقوقی قائل به واقعیات نفس‌الامری بوده و به جای «واضع قانون» معتقد به «کاشف قانون» و «قانون‌دان» بودند (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ص ۲۲). از نظر قراردادگرایان مدرن، قانون پدیده‌ای پسینی و حاصل توافق انسان‌ها بوده و قانون‌گذار چیزی را کشف نمی‌کند، بلکه اموری را اعتبار، انشاء و جعل می‌کند و هر قانون مجعولی، قابلیت رفع، لغو و نسخ هم دارد (شهرابی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۱-۷۲). در مقابل آن دو رویکرد، فطرت‌گرایان که معتقد به دین الهی و اسلام هستند، میان سه دسته قوانین تکوینی، تشریعی و قراردادی تمایز قائل هستند. در حالی که قوانین تکوینی را حاصل اراده الهی در پهنه آفرینش و طبیعت می‌دانند، برای آنها واقعیت نفس‌الامری و حقیقی فائلد، این قوانین اختصاص به انسان و زندگی اجتماعی بشر ندارند، بلکه در همه سطوح موجودات (جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی) جریان دارد. طبیعت‌گرایان این نوع قوانین را با

ابهامات زیاد، گاهی به یک خالق یا به رب‌الانواع یا به یک عالم متافیزیک نسبت می‌دادند که به صورت سنت ثابت در درون طبیعت حل شده و با روش عقل قابل انکشاف است. اما فطرت‌گرایان با صراحت این دسته قانونمندی را سنت ثابت الهی معرفی می‌کنند که وحی از آن خبر داده و عقل آن را ادراک می‌کند. از نظر آنها، قوانین تشریعی، حاصل جعل و انشاء خداوند برای سامان دادن به حیات اجتماعی بشر است که در راستای فطرت انسانی اعتبار شده و از طریق وحی ابلاغ می‌شود. فطرت‌گرایی با پذیرش حجت درونی عقل برای بشر این حق را قائل شده است تا در بخش قرارداد‌های حقوقی و اعتباری، برای تأمین نیازهای اقتصادی و مصالح زمان‌مند جامعه خویش با حقوقی‌سازی قوانین طبیعی و قوانین وحیانی، به وضع قوانین اعتباری، حسب نیازهای خود اقدام کنند. بنابراین، هر سه نوع قانون در دایره ربوبیت الهی در تدبیر حیات سیاسی بشر قرار می‌گیرند و در حیطه مقولات کلام سیاسی هستند.

براساس دیدگاه توحید در ربوبیت، هر امری که در جهان محقق شده و سهمی از هستی داشته باشد، به خدا اسناد پیدا می‌کند و علت آن خداست، خواه آن امر، از امور حقیقی باشد یا اعتباری. به عبارت دیگر، اگر علت که خداست، کار حقیقی مانند خلقت انسان، انجام دهد، ربوبیت او سنت و قانون تکوینی بوده و اگر کار اعتباری مانند قانون حکومت را وضع کند، ربوبیت او تشریعی خواهد بود. بنابراین، ربوبیت خداوند عام است و شامل تمام امور حقیقی و اعتباری می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ص ۲۱۲). پس قانون‌گذاری مطلقاً در انحصار خدا بوده و او در تشریع، یگانه است و منشاء این حق نیز از ذات و اراده او ناشی می‌شود که مظهر خالقیت، مالکیت و ربوبیت بوده و آگاه به تمام مصالح و مفاسد مخلوقات خود می‌باشد و چون قانون برای تأمین نیازهای واقعی بشر و شکوفا ساختن استعداد‌های اوست، غیر از خداوند، کسی شرایط لازم و عادلانه را ندارد تا برای بشر، قانون‌گذاری کند و این نوع تشریع منحصر به خداوند می‌باشد. یعنی همه آنچه که از شئون اداره یک جامعه است، از سرچشمه وحی گرفته شده و قوانین از قرآن اتخاذ می‌شود، هرچه مخالف با قرآن باشد، طرد می‌گردد، حکومت و قدرت سیاسی بر طبق معیارهای قرآنی تشکیل می‌شود و ارزش‌های حاکم بر جامعه ارزش‌های قرآنی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۰۶/۰۴).

در مبانی کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، این مفروض وجود دارد که «حاکمیت مطلق» مبتنی بر «حق مالکیت» پیشینی بوده و این حق تنها در انحصار خداوند می‌باشد و منشاء الهام‌بخش همه حقوق انسانی است. ایشان تصریح می‌کنند: «فلسفه سیاسی اسلامی این است، حاکمیت الهی، قانون و مجری قانون را از خدا الهام گرفتن، مبنایش چیست؟ مبنایش له الملک است، یعنی حاکمیت مطلق متعلق به خداست.

چون حاکمیت مطلق متعلق به خداست، لذا، قانون را هم خدا معین می‌کند، و والی و حاکم و مجری قانون را هم خدا منصوب می‌کند». با همین پیش‌فرض است که ایشان همانند سایر فقیهان در فقه سیاسی خود، وقتی به «قانون حاکمیت سیاسی» می‌رسد، با رویکرد متکلمانه، آن را به اصل اولیه حق حاکمیت و ولایت ذاتی و اولی خداوند ارجاع می‌دهند و حق حاکمیت و حکومت را به مثابه بخشی از قانون حیات سیاسی انسان‌ها، از آن آفریدگار متعال می‌داند (همان، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). معنای این بیان آن است که حاکمیت از امور خاص و ذاتی انسان براساس حق طبیعی انسان نیست تا آن را از ذات خود اکتساب کند، یا بر پایه قرارداد و توافق جمعی محض بدان برسد، بلکه همانند هر کمال وجودی دیگر که انسان از آن بهره‌مند است، امانتی الهی می‌باشد که حق اعمال نفوذ در آن براساس رضایت مالک اصلی است. آیت‌الله خامنه‌ای از این نگاه با عنوان رویکرد توحیدی یاد می‌کند و پیام توحید را حاکمیت الهی و اجرای قانون خداوند در جامعه می‌داند: «حاکمیت خدا به این است که اولاً قوانین الهی در جامعه جاری بشود، آن چیزی که قانون الهی است، آن در جامعه اجرا بشود». بنابراین، در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای منشاء همه قوانین سیاسی جامعه اسلامی از خداوند سرچشمه می‌گیرد.

۵. فلسفه قانون در کلام سیاسی

به نظر می‌رسد، تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای از قانون به «منطق زندگی اجتماعی»، شفاف‌ترین رویکرد در بیان ماهیت و فلسفه قانون در کلام سیاسی ایشان است. این نگاه بسیار عمیق‌تر از رویکرد حقوقی رایج به قانون می‌باشد که آن را تضمین‌کننده حقوق طبیعی همانند حق آزادی‌های فردی و تأمین نظم عمومی و تأمین عدالت اجتماعی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۶۵). در قلمرو کلام سیاسی، قانون به مثابه مجعول الهی که ریشه در فطرت دارد و ناظر به حقوق انسانی است، «اراده الهی» معطوف به حیات اجتماعی انسان‌ها، فلسفه‌ای فراتر از حقوق طبیعی و قراردادی دارد. در ادامه به بخشی از نمادها و نموده‌های فلسفه قانون اشاره می‌شود:

(۱) **نظم‌بخشی:** به میزانی که قانون تکوینی، نماد نظم، آرامش و ثبات حقیقی مستتر و مستمر در نظام آفرینش است. پیش‌فرض قوانین حقوقی در میان انسان‌ها، وجود نوعی هرج و مرج، بی‌نظمی، اضطراب، اغتشاش و اختلاف، است و فلسفه قانون به مثابه نقش پلیس و ناظم می‌باشد. قوانین در کلام سیاسی، علاوه بر فلسفه رفع اختلاف و ایجاد نظم توحیدی (همان، ۱۳۵۶: ص ۵۰) و دینی «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا

اِخْتَلَفُوا» (بقره، ۲۱۳) و زدودن عوامل ظلم و استبداد «لیضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم» (اعراف، ۱۵۷) و ایجاد قسط و عدل از طریق تزکیه و آموزش مردم «یعلمهم و یزکیهم» (آل عمران، ۱۵۴)، اهداف و فلسفه متعالی‌تری را در حوزه انسان‌سازی و جامعه‌سازی تعقیب می‌کند.

گزارشی که قرآن سال‌ها پس از بعثت پیامبر اسلام (ص) به مردم مدینه می‌دهد، از نقش قانونی خداوند در رفع بی‌نظمی‌ها، دشمنی‌ها و افتراق و اختلاف‌ها با عنوان «نعمت الهی» یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ اِذْ کُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ» (آل عمران، ۱۰۳). از منظر کلام سیاسی، جامعه بی‌قانون، جامعه‌ای شرک‌آلود، معادستیز، گرفتار خرافات، اسیر فساد اخلاقی (بقره، ۲۱۹) در دام بهره‌کشی ظالمانه (بقره، ۲۷۸)، مطیع شیطان، متحیر، جاهل، سرگردان و گمراه است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲) و قانون الهی با عنوان «حدودالله» به دنبال تعیین حدود و ثغور ارزش‌های انسانی در حیات اجتماعی است.

۲) عدل‌گستری: کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، سنت آفرینش و قوام جامعه را براساس قسط و عدل می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۴/۷) و فلسفه قوانین تشریعی را در سامان‌بخشی به زندگی عادلانه اجتماعی معرفی می‌کند و معتقد است یکی از ره‌آوردهای مهم رسالت قانونی انبیاء آن است که «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). در این رویکرد عدالت و قانون عادلانه ارزش ذاتی و نفس‌الامری دارد. قانون ریشه در هستی و فطرت انسانی دارد و به صورت عام و مداوم، مورد تأکید خداوند قرار گرفته است: «إِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰). قانون عادلانه آن است که براساس عقل و منطق و هماهنگی با نیازهای واقعی انسان‌ها باشد و چون انسان‌ها ذاتاً برابرند و سرشت و هدف از خلقت همه، مشترک است، بنابراین، در ساحت عدالت، تمایزات و اختلافات حقوقی ناشی از نژاد، طبقه، ثروت و غیره، جایگاهی ندارد. نه کسانی برای بردگی آفریده شده‌اند و نه گروهی به سروری، اختصاص یافته‌اند، درجه دستیابی به حقایق و نسبت با خداوند و «حاکمیت الله بر زندگی انسان‌ها تنها معیار تعیین‌کننده ارزش جامعه انسانی است و «هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینشی حرکت کرد، ماندگار، موفق و کامیاب است. کامیابی انسان، در وقتی است که خود را تطبیق بدهد با قوانین آفرینش، با سنت‌های الهی، که تغییر و تبدل‌ناپذیر است» (مهاجرنیا، ۱۳۸۸: ص ۵-۳۵).

۳) توجه به مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی: قانون الهی براساس مصالح فطری و دائمی بشر است که در آن شرافت‌های انسانی، کرامت‌های انسانی، و حسن‌ها و قبح‌هایی که عقل انسان آنها را تشخیص می‌دهد، وجود دارد (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۹۹).

۴) جهت‌دهی به ارزش‌های معنوی در راستای اهداف آفرینش انسان: فلسفه قانون در یک نظام توحیدی آن است که جامعه‌ای بسازد که در آن «انسان‌ها فقط خدا را می‌پرستند، ارزش‌ها را از خدا فرامی‌گیرند، با مدعیان ربوبیت و الوهیت کنار نمی‌آیند، با غاصبان مقام حکومت الهی سازش نمی‌کنند، با برهم‌زنندگان ارزش‌های انسانی هرگز سرآشتی ندارند» (همان: ص ۱۰۰). معیار ارزش‌گذاری، چیزهای باطنی است، چیزهایی که برمی‌گردد به درون انسان، به شخصیت انسان و... است. مثل روحیه، دانش، ایمان، همبستگی اینها هیچ کدام چیزهای مادی نیست. همه چیزهای معنوی است.

۵) تنظیم تعاملات و پیوندهای انسانی: حاکمیت قانون، در سطح عمومی در جوامع، عامل تعیین و تنظیم پیوند میان انسان‌ها، رابطه انسان با خداوند، رابطه انسان با طبیعت، رابطه انسان با خودش است و این قوانین در اختیار انسان می‌باشد (همان).

۶) تأمین سعادت انسان: فلسفه غائی قوانین الهی تطبیق با سنت‌های الهی می‌باشد که عبارت است از اینکه زندگی انسان و زندگی همه جهان و اداره امور عالم باید با تدبیر الهی و مکی بر معرفت صحیح و شناخت درست خدایی اداره بشود و سعادت بشر هم بر این اساس است. آیت‌الله خامنه‌ای از سعادت آدمی که مطلوب نهایی قانون الهی است با عبارات و مفاهیمی چون «کمال»، «تحصیل رضایت الهی»، «نورانیت»، «هدایت»، «حیات طیبه»، «کرامت»، «متخلق شدن به اخلاق الهی» یاد می‌کنند (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ص ۴۰۳-۴۶۳).

۷) تحقق حاکمیت الهی: در کلام سیاسی، میان قانون تشریعی و تکوینی ارتباط وجود دارد. همان طور که حاکمیت مطلق قوانین تکوینی در دست خداوند است، حاکمیت تشریعی و قانونی هم باید در دست خدا باشد.

مفهوم قانون تشریعی با معنای «توحید» در جامعه گره خورده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۴: ص ۳۵).

۸) تأمین آزادی‌های انسان: آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: آزادی انسان در شریعت الهی ریشه در فطرت دارد (همان، ۱۳۷۷/۶/۱۲) و تأمین و تحقق آزادی واقعی را تنها در سایه قانون الهی امکان‌پذیر می‌داند (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۱۰۱).

۹) برقراری اتحاد و انسجام اجتماعی: بنای قوانین توحیدی در وحدت انسان‌ها است. در جامعه توحیدی، وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه حرکات و

پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسان‌ها - چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون‌های مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف - با یکدیگر خویشاوندند، چون به آن خدا وصل بوده، به یک‌جا متصل هستند و از یک‌جا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه قهری اعتقاد به توحید است. در این دیدگاه، نه فقط انسان‌ها به یکدیگر مرتبط هستند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیاء، اجزای عالم، حیوانات، جمادات، آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبط بوده و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه آنچه که انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق، یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد (همان، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹).

۶. ویژگی قوانین الهی

ربوبیت الهی نظام آفرینش را براساس دو گونه قوانین تکوینی و تشریعی، تدبیر می‌کند. قوانین تکوینی در نظام حاکم بر آفرینش و در نهاد طبیعت و در نهاد همه موجودات تعبیه شده و براساس هدایت عامه الهی در تکون هر موجودی، از ابتدای خلقت، ابزار نیل به غایت آن به صورت قطعی و تغییرناپذیری دیده شده است.

اما در هدایت تشریعی که اختصاص به انسان دارد، براساس شریعت و قانون الهی رابطه بین انسان‌ها و خداوند و نیز رابطه بین افراد انسان، به صورت عادلانه وضع و تنظیم شده است (بقره، ۲۱۳). در آیات بسیاری از قرآن، این هدایت تشریعی مشاهده می‌شود (نساء، ۱۶۵). انسان‌ها در برابر این قوانین از اراده و آزادی برخوردارند و براساس همین اختیار به عدالت و احسان امر می‌کند (نحل، ۹۰). از انسان سلب اختیار نشده است (نساء، ۳). اما مکرر یادآور شده که کمال و سعادت بشر، در فهم و اجرای قوانین تشریعی و احکام آسمانی است که هیچ‌گونه خلل و نقصی در آن راه ندارد.

در کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای، برای قانون تشریعی الهی در مقام تحقق و اثبات خارجی، شرایط و ویژگی‌هایی ذکر شده که برخی از آنها به نفس قانون و برخی به شأن قانون‌گذار و برخی هم به جامعه انسانی برمی‌گردد. قانون اجتماعی خوب دارای ویژگی‌هایی به این شرح است: جامعیت و فراگیری قانون، ابتناء بر عدالت، ناظر به واقعیات جامعه انسانی، مبتنی بر اعتقاد عمومی، حافظ حقوق مردم و دارای نقش محدودکنندگی است (مهاجرنیا، ۱۴۰۰: ص ۱۰۳-۱۰۴).

برای وضع بهترین قوانین کارآمد برای زندگی سیاسی - اجتماعی انسان‌ها، یک عقل کل به نام خداوند

لازم است که دارای علم، قدرت، ربوبیت و اختیار باشد و فراتر از طبیعت، شهوات و گرایش‌های انسانی است که شرایط لازم برای قانون‌گذاری را داشته باشد، زیرا:

اولاً، خداوند آفریدگار و خالق انسان است و خالق، بیش از هر کسی بر نیازهای مخلوق اشراف دارد.
ثانیاً، خداوند عالم است و با دانش مطلق خود، اصول تکامل انسان را می‌داند و به نیازمندی‌های نهان و آشکار و نیز مصالح و مفاسد انسان بیش از دیگران آگاه است.

ثالثاً، از هر نوع سودجویی در وضع قانون، جز برای خدا در هیچ کسی وجود ندارد، زیرا تنها خداست که نفعی در اجتماع انسانی ندارد و از هر نوع غرایز، به ویژه غریزه خودخواهی، مبرا است، در حالی که همه افراد بشر، کم و بیش از حس خودخواهی که آفت قانون‌گذاری صحیح است، برخوردارند.

رابعاً، جعل حکم و قانون از سوی خداوند حکیم و علیم، براساس واقعیات جهان هستی و واقعیت انسان و نیز مصالح و مفاسد نفس‌الامری در جهت رسیدن به کمال مطلوب حقیقی اوست. واقعیات مصالح و مفاسدی که جز خداوند خالق هستی و انسان، کسی بر آنها آگاهی کامل ندارد و به همین دلیل، جعل قانون هم اختصاص به او دارد (سبحانی، ۱۳۷۱: ص ۳۴۹).

در ضمانت تحقق قوانین الهی، در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به مقوله ضمانت تحقق و اجرا در قوانین الهی، توجه شده و برخلاف قوانین قراردادی که ضمانت اجرایی آن‌ها تنها الزامات قانونی است، قوانین الهی در بعد تکوینی قطعی التحقق هستند و امکان تخطی و تعدی از آن در اختیار انسان نیست و قوانین تشریعی، هم بر پایه سه نوع تضمین اعتقادی، اخلاقی و الزامات اجتماعی، به شرح ذیل استوار است.

(۱) **ابتناء بر ایمان و اعتقاد:** در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای «ایمان» مهم‌ترین عامل و پشتوانه تحقق دستورالعمل‌ها و قوانین الهی است، زیرا ایمان دینی ریشه در فطرت انسان دارد و با قوانین تشریعی هماهنگ و همسو است.

(۲) **تعهد به ارزش‌های اخلاقی:** تثبیت ارزش‌های مثبت اخلاقی در روح و روان فرد، و احترامی که فرد به ارزش‌های اخلاقی می‌گذارد، نوعی اطاعت و انقیاد روحی را در او به وجود آورده، وی را نسبت به رعایت قانون، مقید می‌سازد. فرد و جامعه اخلاق‌گرا، طبعاً به حفظ و رعایت قانون نیز گرایش دارد. این نکته هم از نظر عقل قابل پذیرش است و هم نمونه‌های ارزشمندی آن را تأیید می‌کند (همان، ۱۳۷۴/۱۲/۱).

(۳) **اعتقاد به بازتاب‌های اخروی:** از مهم‌ترین پشتوانه‌های به کار بستن قانون الهی، اعتقاد به معاد و باور

به دریافت کامل پاداش و کیفر اعمال است. در بینش اسلامی، دنیا گذرگاه و مقدمه آخرت بوده، بذر آن حیات، در این حیات به دست خود انسان کاشته می‌شود و سرنوشت آن به وسیله خود وی تعیین می‌گردد. این ایمان و اعتقاد که هر کار و سخنی، جزا و پاداش مناسب در پی دارد، در او نیروی کنترل‌کننده قوی به وجود می‌آورد، تا هر حرفی را نزند، قانون و دستور خدا را رعایت کند و حدود الهی را زیر پا نگذارد. این اعتقاد عامل معنابخشی به زندگی و ضامن اجرای تمام قوانین الهی و انگیزه اصلی تهذیب نفس است. این باور، لجامی قوی برای نفس و کنترل خواهش‌های نفسانی است، در قرآن بعد از موضوع ایمان به خدا، مکرر ایمان به جهان آخرت، با تعبیری مانند «یؤمنون بالله والیوم الآخر» آمده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰: ص ۴-۱۲).

۴) **لزوم بینش و آگاهی از قانون:** از پشتوانه‌ها و لوازم قانون‌گستری، اطلاع مردم از قانون و فواید آن است. بسیاری از جرائم و تخلف‌ها، به سبب ناآگاهی از اهمیت قانون است. از این‌رو، هر قدر آگاهی از قانون، اهمیت، فواید و مصالح آن بیشتر باشد، عمل به قانون بیشتر و آسان‌تر خواهد شد. براساس آموزه‌های کلام سیاسی، مؤمنان تشویق و موظف شده‌اند، با علم‌آموزی و تفقه، از قوانین حاکم بر آفرینش و حیات اجتماعی، مطلع و نقش‌آفرین باشند (همان، ۱۳۷۵/۷/۱۸).

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه در باب تعریف، ویژگی‌ها و فلسفه قانون بیان شد، این مهم حاصل گردید که قوانین الهی در ساحت کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، همه برای تنظیم و سامان‌دهی به زندگی اجتماعی انسان به‌مثابه «خلیفه الله» است که ایشان از آن به «منطق زندگی اجتماعی» یاد می‌کنند. در تبیین این حقیقت پژوهش حاضر به دنبال آن بود تا نشان دهد که پیش‌فرض مسلم دانش‌هایی مانند فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و مبانی حقوق، آن است که شکل‌گیری و تداوم نظام اجتماعی و نظم سیاسی، ناشی از ضرورت‌ها، نیازها، تقاضاها و پذیرش شرایط و محدودیت‌هایی است که یا به صورت پیشینی در نظام آفرینش و طبیعت به صورت تکوینی وجود دارد و باید کشف شود و یا امور فطری و انسانی است که توسط وحی و ادیان تشریع شده است که باید استنباط شود و یا امور پسینی است که به تشخیص عقل و عرف انسان‌ها در قالب تعهدات اجتماعی، وضع شده است. در ادبیات رایج به هر سه نوع تکوینی، تشریعی و قراردادی، قانون اطلاق می‌شود و همه آنها در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به‌مثابه ملاک، میزان و منطق زندگی اجتماعی

هستند. با این تفاوت که قوانین تکوینی و فطری تحت اراده و ربوبیت الهی بوده و از طریق عقل، وحی و رسالت قابل فهم و استنباط است، اما در قوانین جعلی و قراردادی اراده انسانی هم دخیل بوده و در سایه عقل و وحی می‌تواند قانون را تنظیم کند. دغدغه کلام سیاسی آن است که مطالعات خویش را در باب قانون در یک قوس نزولی از مبدأ آفرینش و خالق انسان‌ها آغاز کند تا ابتدا اراده و مشیت الهی را از منبع فیضانی درک کرده و سپس وارد واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی قوانین در جامعه بشود و با درک ماهیت آنها، پیوند قوانین را با آن مبدأ حفظ نماید. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به ویژه در کلام سیاسی، مطالعه قانون الهی در بستر جامعه، سیاست، تاریخ و فلسفه سیاسی قرار گرفته و مهم‌ترین آن در توجه به «فلسفه قانون» متمرکز شده است. ایشان بر این ایده کلامی تأکید دارند که قانون الهی همانند یک خط عمودی است که در یک سر (مبدأ) آن ربوبیت الهی و در سر دیگرش (مقصد) انسان به عنوان خلیفه‌الله قرار دارد. در مقام بحث، کشف و استنباط قانون، جهت‌گیری کلام سیاسی به سمت اقتضانات ربوبی در مبدأ آن خط است و در مقام سیاست‌ورزی دینی بر الزامات زندگی اجتماعی و منطق حیات جمعی «خلیفه الله» در مقصد خط متمرکز می‌شود.

ویژگی برجسته کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای آن است که وقتی در مقام سیاست‌ورزی و تحلیل منطق زندگی اجتماعی است، جهت‌فلش در مبدأ و مقصد برعکس می‌شود. اقتضانات مقام خلیفه‌اللهی به عنوان مبدأ و شأن ربوبیت الهی به عنوانیت غایت و مقصد تغییر می‌کند. با این رویکرد ایشان مجموعه حیات انسانی را به کاروانی تشبیه می‌کند که دارای یک مبدأ حرکت و یک مقصد عالی است و همه آفرینش به سمت آن غایت، حرکت می‌کنند و از فاصله بین مبدأ و معاد به «اردوگاه» تعبیر شده که به سوی مقصد الهی حرکت می‌کند. «کلّ الیه راجعون»، همه به سمت ذات مقدس پروردگار حرکت می‌کنند، «الی الله المصیر»، حرکت آفرینش به سمت وجود مقدس باری تعالی (عزّشأنه) است. همه آفرینش مثل یک کاروانی می‌باشد که به یک مقصد حرکت می‌کند و آن مقصد، خداست. سعادت هر انسانی این است که این مقصد را بشناسد و رفتار اختیاری خود را با آن مطابق بکند. ایشان معتقدند قانون بین مبدأ و معاد بر مبنای سنت‌های الهی که در واقع قانون طبیعی در نظام آفرینش هستند، تنظیم گردیده و انسان‌ها با اراده و پشتکار خود مسیر را طی می‌کنند تا به مقصد که لقاءالله است، برسند. اما در «اردوگاه» برای انسان‌ها قوانین و برنامه‌هایی وجود دارد که با آنها می‌تواند آهنگ رو به جلوی خود را تنظیم کند و آماده ورود به سرمنزل نهایی و حقیقی آفرینش انسان بشود. خداوند از طریق وحی این برنامه‌ها را در طول زندگی، برای

انسان‌ها معین کرده و همه شرایط زیست فعال و حرکت رو به رشد را در قالب آموزه‌هایی بیان داشته که در کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در قالب چهار نوع برنامه و قانون زندگی قابل شناسایی هستند.

برنامه‌های متعالی: بعضی از این برنامه‌ها چیزهایی است که رابطه انسان را از لحاظ معنوی، روحی و قلبی با خدای متعال برقرار می‌دارد؛ مثل نماز، ذکر، توجه و تضرع و توسل به پروردگار و بسیاری از عبادات.

برنامه‌های تهذیبی: بعضی از برنامه‌ها هستند که اخلاقیات و ملکات انسان را تصحیح می‌کنند، عیوب را برطرف کرده و از روح انسان، مثل دستورهای اخلاقی که از ما کبر، حسد، دنا، لثامت، پستی، دروغ‌گویی و خیانت را دور می‌کند و انسان را کریم، با معرفت، با سماحت، با محبت و آمیخته به خصال عالی انسانی می‌سازد.

برنامه‌های تنظیمی: بعضی از برنامه‌ها هست که روابط ما را با انسان‌هایی که در این جهان هستند، با دیگر افرادی که در این اردوگاه بزرگ هستند، تنظیم می‌کند. روابط فردی، روابط اجتماعی، حتی رابطه با اشیاء، حیوانات، این‌ها را هم به ما تعلیم داده‌اند و بعضی از تعالیم و برنامه‌ها این را برای ما تنظیم می‌کند.

برنامه‌های تدبیری: بعضی از این برنامه‌ها هست که فضای زندگی را قابل زیست می‌سازد، مثل برنامه حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و سطح محیط زندگی و جوامع است (مهاجرنیا، ۱۳۹۴: ص ۴۱۱). بنابراین، در تشبیه فوق، «قانون الهی» در قالب چهار برنامه متعالی، تهذیبی، تنظیمی و تدبیری دسته‌بندی شده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. اشتراوس، لئو (۱۳۷۳). *فلسفه سیاسی چیست؟*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۲). *چستی کلام سیاسی*. قیسات، دوره ۸، شماره ۲۸: ص ۷۹-۱۰۴.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). *ولایت در قرآن*. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴/۱۲/۰۱). *بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2785>
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳/۰۶/۰۴). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2721>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۶/۰۶). *بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۱/۰۳/۰۷). *پیام به چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2620>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۰۴/۰۷). *بیانات در دیدار با مسئولان قضایی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3072>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۳/۰۸). *بیانات در دیدار نمایندگان مجلس*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3293>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷/۰۶/۱۲). *بیانات در دانشگاه تربیت مدرس*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2900>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۴). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۶). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸). *قیسات النور، گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون اهل بیت (ع)*. تهران: کنفرانس جهانی اهل بیت (ع).
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۳/۱۴). *بیانات در مراسم سالگرد امام خمینی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22788>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۲/۱۶). *بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22494>

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۰۷/۱۸). بیانات در دیدار افشار مختلف مردم. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2815>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۳/۰۸/۱۸). تفسیر سوره ملک. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24584>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹/۰۴/۲۰). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2335>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۱۰/۲۲). بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3215>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۱۰/۲۴). بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3216>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۲/۲۵). بیانات در دیدار افشار مختلف مردم. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22566>
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۹/۲۶). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸/۰۹/۲۹). بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2234> قابل دسترس در:
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰). اخلاق و معنویت در آینه نگاه مقام معظم رهبری. تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). انسان دوست و پنجاه ساله. قم: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۴/۷). بیانات در دیدار رئیس و مستولان قوه قضائیه. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7276>
۲۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). انتظارات بشر از دین. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۱). منشور جاوید. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۱ق). الاهیات علی هدی القرآن والعقل والسنه. قم: المركز العلمی للدراسات الاسلامیه.
۳۰. شهرابی، محمد (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن: سلسله درس‌های استاد محمدتقی مصباح یزدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵). فلسفه حقوق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: انتشارات صدرا، ج ۲.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، ج ۳.
۳۴. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۸). فلسفه عدالت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. قیاسات، شماره ۵۱: ص ۳۵-۵.

۳۵. مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۴). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۰). درآمدی بر کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (در دست انتشار).

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.520625.1641

مهاجرنیا، محسن (۱۴۰۰). قانون الهی؛ منطق زندگی اجتماعی از منظر کلام سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه، ۹(۳۲): ص ۱۱۵-۱۳۴.